

شاپا
۳۰۶۰-۷۹۸۱

مطالعات فقه‌الحديث

<https://www.sfhadith.ir>



بخش نخست نیایش ابوحمزه ثمالی؛ از مضمون تا نظام کاربرد تحلیل

مضمون شبکه‌ای در فقه‌الحديث*

علی راد^۱ و محمدباقر حکمت‌جو^۲

چکیده	واژگان کلیدی
این پژوهش با هدف امکان‌سنجی استخراج نظام و شبکه مفاهیم بنیادین نیایش ابوحمزه ثمالی، بر اساس روش تحلیل مضمون شبکه‌ای - به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در فقه‌الحديث - صورت گرفته است. پرسش اصلی پژوهش آن است که مضامین پایه و نظام‌های معارفی موجود در بخش نخست این نیایش کدام‌اند. متن نیایش (بخش اول) پس از فرایند کدگذاری و استخراج مفاهیم، در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر، تحلیل شده است تا شبکه مفهومی آن آشکار گردد. یافته‌ها حاکی از آن است که ساختار معنایی این بخش در قالب سه مضمون فراگیر سامان یافته است: «نظام عبودیت و سلوک بندگی»، «نظام ربوبیت و رحمت الهی» و «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند». مفاهیم بنیادینی همچون فقر و جود، تواضع، خوف و رجاء، هدایت، رحمت، مغفرت و مناجات، در شبکه‌ای منسجم با یکدیگر پیوند خورده‌اند. بررسی روابط میان مضامین نیز	تحلیل مضمون، نیایش ابوحمزه ثمالی، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر، فقه‌الحديث

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۵ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌های فارابی، دانشگاه تهران و دانش‌آموخته سطح چهار تفسیر و علوم قرآن حوزه

علمیه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛ (۹۴۳۰-۲۷۹۵-۰۰۰۱-۰۰۰۰/ali.rad@ut.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشکده‌های فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

(m.baquer.hekmatjoo@ut.ac.ir).

نشان می‌دهد که این بخش از نیایش، نظامی معرفتی تربیتی را بازنمایی می‌کند که در آن عبودیت انسان، ربوبیت الهی و ارتباط معنوی با خداوند، ارکان اصلی سلوک معنوی به‌شمار می‌روند. برآیند کلی پژوهش بیانگر آن است که بخش ابتدایی نیایش ابوحمزه ثمالی، صرفاً متنی عبادی نیست، بلکه نظامی منسجم در سطوح انسان‌شناختی، خداشناختی و عرفانی دارد. همچنین، روش تحلیل مضمون شبکه‌ای از ظرفیت بالایی در کشف ساختارهای مفهومی و معنایی متون دینی برخوردار است.

مقدمه

در مطالعات فقه‌الحديثی، یکی از مسائل محوری، کشف «نظام معنایی» و «شبکه مفاهیم» حاکم بر متون حدیثی است؛ به‌ویژه در متون بلند و پیوسته‌ای که در منابع حدیثی با عنوان «احادیث طوال مأثوره» شناخته می‌شوند. این دسته از متون معمولاً مجموعه‌ای از گزاره‌های منفصل و پراکنده نیستند، بلکه از انسجام درونی برخوردارند و بخش مهمی از معنای آن‌ها در سطح روابط میان مفاهیم شکل می‌گیرد. ازاین‌رو، تحلیل متن در این قلمرو صرفاً با شرح واژه‌ها و تبیین دلالت‌های موردی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر بتواند ساختار مفهومی متن را بازسازی کرده و نشان دهد مفاهیم بنیادین چگونه در ارتباط با یکدیگر، جهت‌گیری کلان معنا را پدید می‌آورند.

مسئله این است که دلالت‌های اصلی در متون حدیثی بلند، غالباً در یک جمله یا عبارت مستقل خلاصه نمی‌شود، بلکه در تعامل میان مضامین، در تکرارهای معنادار، در تقابل‌ها، و در محورهای سازمان‌دهنده‌ای آشکار می‌گردد که متن را به یک «کل منسجم» تبدیل می‌کند. بر این اساس، اگر روابط درون‌متنی مفاهیم نادیده گرفته شود، نتیجه پژوهش ممکن است به برداشت‌هایی جزیره‌ای، گسسته و گاه ناسازوار بینجامد. بنابراین، بازسازی نظام معنایی و شبکه مفاهیم، افزون بر افزایش دقت در فهم فقه‌الحديثی، امکان ارائه تفسیری منسجم، مستند و گزارش‌پذیر از متن را فراهم می‌آورد و زمینه را برای بهره‌گیری از روش‌های نوین معناشناسی در تحلیل متون حدیثی تقویت می‌کند.

در میان متون حدیثی بلند امامیه، نیایش‌های مأثور جایگاهی ممتاز دارند؛ زیرا افزون بر وجه نیایش، حامل منظومه‌ای از معارف اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و انسان‌شناختی‌اند. با این حال، در بخش قابل‌توجهی از مطالعات نیایش، روش غالب همچنان شرح‌نگارانه، ترجمه‌محور یا استخراج مضامین به‌صورت فهرست‌وار است و کمتر تلاشی سامان‌مند برای نشان دادن ساختار شبکه‌ای مفاهیم و نسبت‌های درونی آن‌ها صورت گرفته است. نیایش ابوحمره ثمالی از نمونه‌های برجسته این سنخ متون است که به سبب تراکم مفاهیم و تنوع لایه‌های معنایی، ظرفیت بالایی برای بازخوانی نظام‌مند دارد؛ اما با وجود جایگاه ممتاز آن، بررسی‌های موجود غالباً به تبیین‌های موردی و گزاره‌محور بسنده کرده‌اند و «نظام مفهومی» آن، به‌ویژه در قالب یک شبکه معنادار از مضامین و روابط، کمتر به‌طور روشمند واکاوی شده است.

از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا می‌توان با بهره‌گیری از رویکردهای نوین در معناشناسی متون، به‌ویژه «تحلیل مضمون شبکه‌ای»، نظام مفهومی بخش نخست نیایش ابوحمره ثمالی را استخراج و بازسازی کرد؟ این پژوهش در پی آن است که مضامین پایه این بخش کدام‌اند، این مضامین در چه نظام‌های معارفی سازمان‌دهنده‌ای صورت‌بندی می‌شوند، و شبکه روابط معنایی میان آن‌ها چه تصویری از هندسه مفهومی نیایش ارائه می‌دهد. ضرورت این تحقیق نیز از یک سو به نیاز فقه‌الحديث به روش‌های منضبط برای کشف انسجام درونی متون بلند باز می‌گردد و از سوی دیگر به خلأ پژوهشی موجود در تحلیل شبکه‌محور نیایش ابوحمره با تمرکز بر بخش نخست آن توجه دارد. بر این مبنا، مطالعه حاضر می‌کوشد ضمن ارائه خوانشی نظام‌مند از مفاهیم بنیادین نیایش، امکان‌ها و کارآمدی روش تحلیل مضمون شبکه‌ای را به‌عنوان ابزاری نوین در فقه‌الحديث نشان دهد.

در مقاله حاضر، با استفاده از روش تحلیل مضمون شبکه‌ای، سی و یک بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی تحلیل شده است تا منظومه فکری و معرفتی امام سجاده علیه السلام در این نیایش کشف شده و محورهای اصلی کلام ایشان مشخص گردد. باید توجه داشت که مقصود از تحلیل دعای ابوحمره در این پژوهش، کشف اصل وجود مفاهیمی مانند عبودیت، ربوبیت، توبه و رحمت در این متن نیایشی نیست؛ زیرا این

مفاهیم از عناصر شناخته‌شده ادعیه شیعی‌اند. مسئله اصلی، چگونگی سازمان‌یافتن این مفاهیم در متن خاص دعای ابوحمزه است. از این رو، پرسش مقاله این نیست که «دعای ابوحمزه چه مضامینی دارد؟»، بلکه این است که «مضامین اصلی دعا چگونه در یک شبکه معنایی به هم پیوند خورده و چه الگویی از سلوک دعایی را پدید آورده‌اند؟» پاسخ به این پرسش می‌تواند نشان دهد که دعای ابوحمزه نه صرفاً متنی مشتمل بر آموزه‌های اخلاقی و عبادی، بلکه ساختاری منسجم برای بازسازی نسبت انسان گناهکار، امیدوار و نیازمند با خدای رحمان و قریب است.

گفتنی است پس از واقعه عاشورا و استقرار حاکمیت اموی، جامعه اسلامی با شرایط پیچیده و دشوار مواجه گردید؛ فشارهای سیاسی، محدودیت‌های فرهنگی و بروز جریان‌های فکری انحرافی، فضای عمومی امت اسلامی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در چنین شرایطی، امام سجاد (ع) به عنوان پیشوای شیعیان، برای صیانت از معارف اصیل اسلامی و تربیت معنوی جامعه، بیش از هر چیز از زبان نیایش و مناجات بهره برد. نیایش‌های ایشان نه تنها ابزار ارتباط با خداوند، بلکه ابزاری برای تعلیم، پالایش فکری و بازسازی هویت دینی در عصر اختناق بودند. از مهم‌ترین این متون، نیایش ابوحمزه ثمالی است.^۱ استمرار نقل و بازتولید این نیایش در طول تاریخ، نشان می‌دهد که ابوحمزه نه فقط راوی حدیث، بلکه حلقه‌ای تعیین‌کننده در زنجیره انتقال معارف اهل بیت (ع) بوده است.

پیشینه پژوهش: پژوهش‌های انجام‌شده درباره نیایش ابوحمزه ثمالی، عموماً در قالب شرح، ترجمه، تفسیر و بیان نکات اخلاقی، عرفانی و تربیتی سامان یافته‌اند. در این میان، هرچند شماری از آثار به معرفی مفاهیم و مضامین نیایش پرداخته‌اند، اما رویکرد غالب در آن‌ها، رویکردی شرحی و موضوع‌محور بوده است، نه تحلیلی و ساختارمند. در نتیجه، نیایش ابوحمزه ثمالی کمتر به مثابه یک منظومه معنایی منسجم مورد مطالعه قرار گرفته است.

در منابع کتاب‌شناختی، آقابزرگ تهرانی از چند شرح بر نیایش ابوحمزه ثمالی نام برده است، از جمله:

۱. مصباح‌المتجهّد، ج ۲، ص ۵۸۲؛ الإقبال، ج ۱، ص ۱۵۷؛ البلد الأمين، ص ۲۰۵؛ زاد المعاد، ج ۲، ص ۹۲.

شرح سید حسین بن ابی‌القاسم جعفر بن حسین موسوی خوانساری (متوفی ۱۱۹۱ق)، شیخ محمدابراهیم بن ملا عبدالوهاب سبزواری (متوفی ۱۲۹۱ق)، و محمدتقی بن حسین علی‌هروی اصفهانی حائری (متوفی ۱۲۹۹ق).^۱ بااین‌حال، به دلیل فقدان اطلاعات تفصیلی درباره محتوای این آثار، داوری درباره روش و شیوه مواجهه آن‌ها با متن نیایش ممکن نیست. افزون بر این، شرحی خطی از محمدحسین بن محمدجعفر سربازی تبریزی (۱۳۲۴ق) نیز در دست است که بر اساس شواهد موجود، با تکیه بر مباحث ادبی و زبانی، در پی توضیح معنای نیایش بوده است.^۲

در آثار معاصر نیز شرح‌هایی مانند بر درگاه دوست، بشنو از نی؛ مروری بر نیایش ابوحمزه ثمالی، و شرح فقراتی از نیایش ابوحمزه ثمالی را می‌توان در همین سنت مطالعاتی جای داد. این آثار، با وجود ارزشمندی در تبیین معارف نیایش، عمدتاً بر توضیح، تفسیر و برجسته‌سازی آموزه‌های متن تمرکز دارند و کمتر از یک روش تحلیلی صریح برای کشف سازمان درونی مضامین بهره می‌برند.

بر پایه این بررسی، می‌توان گفت در منابع در دسترس، پژوهشی که نیایش ابوحمزه ثمالی را با استفاده از روش تحلیل مضمون شبکه‌ای مطالعه کرده و طی آن مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر نیایش استخراج و ساختار معنایی آن تبیین شده باشد، شناسایی نشد. ازاین‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را پوشش دهد و با به‌کارگیری تحلیل مضمون شبکه‌ای، تصویری ساختارمند از منظومه مضامین این نیایش ارائه کند. ازاین‌رو، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با فاصله‌گرفتن از الگوی سنتی شرح‌نگاری، به تحلیل روشمند متن نیایش بر اساس الگوی تحلیل مضمون شبکه‌ای می‌پردازد تا افزون بر شناسایی مضامین اصلی، ساختار حاکم بر نیایش و منطق درونی پیوند میان مضامین آن را نیز آشکار سازد. بنابراین، اهمیت و تمایز این پژوهش در این است که نه فقط به شرح بخش‌ها، بلکه به بازسازی سازمان معنایی

۱. الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۴۶.

۲. شرح نیایش سحر، ص ۲.

نیایش اهتمام دارد؛ امری که در مهم‌ترین آثار پیشین معرفی شده، یا اساساً محل توجه نبوده، یا دست‌کم به صورت روشمند و با چارچوب تحلیل مضمون شبکه‌ای انجام نگرفته است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون انجام شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها یا مضامین درون داده‌هاست و داده‌های گسترده و متنوع را به صورت فشرده، منسجم و در عین حال غنی، سازمان‌دهی و توصیف می‌کند. با این همه، کارکرد این روش صرفاً به توصیف محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد، فراتر از سازمان‌دهی داده‌ها رفته و به تفسیر ابعاد مختلف موضوع پژوهش نیز می‌پردازد.^۱ از سوی دیگر، تحلیل مضمون در پی آن است که روشن سازد داده‌ها چه می‌گویند و از این رهگذر، الگوهای معنادار نهفته در داده‌ها را شناسایی کند.^۲ به همین سبب، می‌توان اصول بنیادین این روش، یعنی کدگذاری، جست‌وجوی مضامین و گزارش یافته‌ها را از مبانی مشترک بسیاری از روش‌های تحلیل کیفی، از جمله تحلیل گفتمان، نظریه زمینه‌ای و دیگر رویکردهای مشابه دانست.^۳

در میان رویکردهای مختلف تحلیل مضمون، تحلیل مضمون شبکه‌ای یکی از الگوهای مهم و شناخته شده به‌شمار می‌آید که نخستین بار توسط اتراید-استرلینگ در سال ۲۰۰۱ مطرح شد. وی این رویکرد را با هدف بهبود فرایند تحلیل در پژوهش‌های کیفی و دستیابی به نتایجی روشن، منسجم و معنادار برای خلاصه‌سازی و سازمان‌دهی داده‌های موجود در متن، مصاحبه، فیلم و دیگر منابع کیفی ارائه کرد. در این رویکرد، شبکه‌های مضمونی ابزاری مناسب برای نظم‌بخشی به داده‌ها و نمایش روابط میان مضامین به‌شمار می‌روند؛ زیرا تحلیل مضمون در پی کشف مضامین برجسته متن در سطوح مختلف است و

1. Braun & Clarke, ۲۰۰۶, p. ۷۹.

۲. اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی، ج ۱، ص ۵۷.

3. Kiger & Varpio, ۲۰۲۰, p. ۸۴۷.

شبکه‌های مضمونی این امکان را فراهم می‌سازند که این مضامین در قالبی ساختارمند ترسیم و تبیین شوند.^۱

در رویکرد تحلیل مضمون شبکه‌ای، داده‌ها از طریق مضامین نهفته در متن، حامل معنا و انتقال‌دهنده مفاهیم به مخاطب‌اند. این مضامین در سه سطح اصلی سازمان‌دهی می‌شوند: مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر. مضامین پایه، ابتدایی‌ترین و جزئی‌ترین واحدهای معنایی‌اند که از متن استخراج می‌شوند. این مضامین، پس از دسته‌بندی و انسجام‌یابی، به مضامین سازمان‌دهنده تبدیل می‌شوند؛ مضامینی که مفاهیم و ایده‌های اصلی متن را در سطحی میانی تبیین می‌کنند. در نهایت، از ترکیب و یکپارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر شکل می‌گیرند که در عالی‌ترین سطح تحلیل، چارچوب کلی معنا، جهت‌گیری مسلط و ساختار مفهومی حاکم بر متن را آشکار می‌سازند. در این روش، هر مضمون فراگیر، هسته مرکزی یک شبکه مضمونی را تشکیل می‌دهد و بسته به گستره و پیچیدگی داده‌ها، ممکن است یک پژوهش به بیش از یک شبکه مضمونی بینجامد.^۲ گفتنی است در کنار روش‌هایی چون نمایه‌سازی پیش‌همارا و پس‌همارا در تحلیل هم‌آیندی مفاهیم و نیز رویکرد نظریه داده‌بنیاد در استخراج الگوهای مفهومی، این پژوهش روش تحلیل مضمون شبکه‌ای را برگزیده است؛ زیرا با هدف مقاله، یعنی آشکارسازی سطوح مضامین و روابط معنایی حاکم بر متن، تناسب بیشتری دارد.

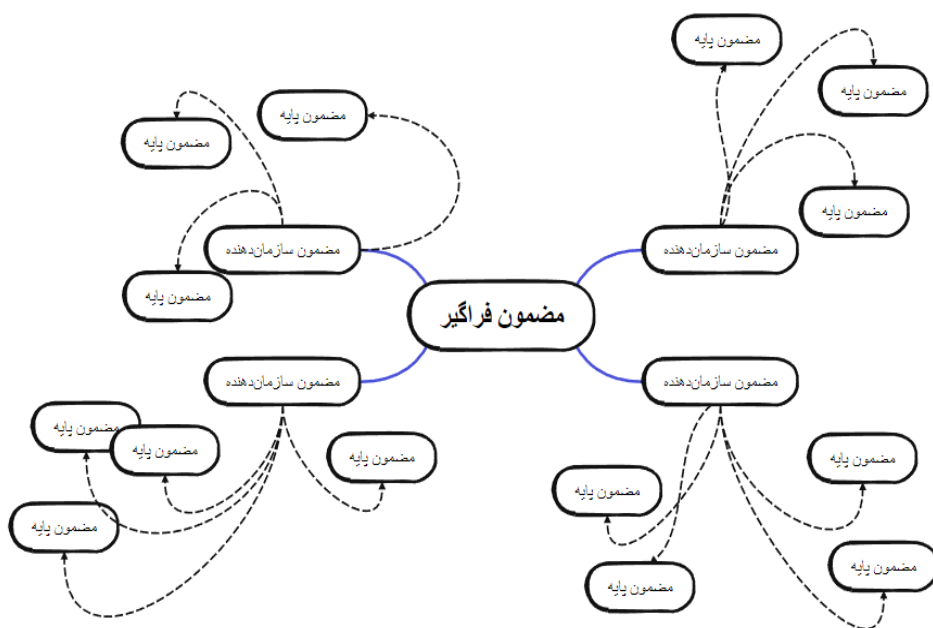
در این پژوهش، متن نیایش ابوحمزه ثمالی در گام نخست چندین بار به دقت مطالعه شد تا پژوهشگر به درکی جامع از فضای معنایی متن، مفاهیم محوری و مضامین تکرار‌شونده آن دست یابد. سپس متن نیایش بر پایه انسجام موضوعی و پیوستگی معنایی به بخش‌های نسبتاً مستقلی تقسیم شد و هر بخش به عنوان واحد تحلیل مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه، مضامین اولیه از متن استخراج و کدگذاری شد و پس از

1. Attride-Stirling, ۲۰۰۱, p. ۳۸۷.

۲. همان، ص ۳۸۹.

مقایسه، دسته‌بندی و بازبینی مستمر، در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر سامان یافت تا شبکه‌ی مضمونی نهایی نیایش ترسیم شود.

در ادامه، مضامین اولیه یا «مضامین پایه» از درون عبارات و مفاهیم متن استخراج شد. سپس مضامین دارای پیوند معنایی، ذیل «مضامین سازمان‌دهنده» دسته‌بندی گردید تا مفاهیم کلان‌تر و منسجم‌تری صورت‌بندی شود. در نهایت، با تحلیل و ادغام مضامین سازمان‌دهنده، «مضامین فراگیر» شناسایی شد؛ مضامینی که بیانگر ساختار کلان معنایی و شبکه‌ی مفهومی حاکم بر نیایش‌اند. این ساختار، مطابق نمودار مقابل، به‌صورت سلسله‌مراتبی از مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ترسیم و گزارش شده است. همچنین، به‌منظور افزایش اعتبار و استحکام علمی یافته‌ها، نتایج حاصل از همه‌ی مراحل پژوهش با نظر و ارزیابی خبرگان علوم حدیث، به‌ویژه در حوزه‌های فقه‌الحدیث و معناشناسی مدرن، سنجیده و بازبینی شده است.



دیاگرام (۱): مضامین فراگیر

الف. تحلیل مضمون شبکه‌ای نیایش ابوحمره ثمالی

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای نیایش ابوحمره ثمالی ارائه می‌شود. مضامین استخراج‌شده از متن نیایش، پس از فرایند کدگذاری و تحلیل، در سه سطح مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر طبقه‌بندی شده‌اند. این مضامین بیانگر مهم‌ترین لایه‌های معنایی و مفهومی نیایش بوده و چارچوب کلی محتوای آن را نمایان می‌سازند.

۱. تجزیه و استخراج مضامین پایه

پس از مطالعه مکرر و حصول آشنایی عمیق با متن نیایش ابوحمره ثمالی، به دلیل طولانی بودن نیایش، متن به سه بخش تقسیم شد. سپس بخش اول، با به‌کارگیری ملاک‌های واحد در تجزیه متن، به ۳۱ بخش تفکیک گردید. هر یک از این بخش‌ها واجد چندین «مضمون پایه» است؛ از این‌رو، پس از بازخوانی و بررسی مجدد هر بخش، در مجموع ۲۲۸ مضمون پایه از میان ۳۱ بخش نخست استخراج شد و در جدول تحلیل، در مقابل هر بخش نیایش درج گردید. در ادامه، به‌عنوان نمونه، بخشی از فرایند تحلیل مضمون شبکه‌ای در مرحله تجزیه و استخراج ارائه می‌شود:

شماره بخش	متن نیایش ابوحمره ثمالی	مضامین پایه
۱۸	سَتَّارُ الْغُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَّامُ الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُوَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ	خداوند ستار العیوب است
		خداوند بسیار بخشنده گناهان است
		خداوند همه مسائل مخفی را می‌داند
		خداوند با بزرگواری از گناه بندگان می‌گذرد
		خداوند با صبر و بردباری، عذاب گناه را به تأخیر می‌اندازد
		ستایش بردباری خداوند در حالی که

می‌داند		
ستایش بخشش خداوند از گناهان درحالی که قدرت بر عذاب دارد		
بردباری خداوند موجب جرأت بندگان در ارتکاب معصیت خداوند می‌شود	وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي، وَيَدْعُونِي إِلَى قَلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرُكَ عَلَيَّ، وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبَةِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ	۱۹
پرده‌پوشی خداوند موجب بی حیایی بندگان در ارتکاب گناه می‌شود		
شناخت رحمت گسترده خداوند موجب سرعت بخشیدن انسان در ارتکاب اعمال حرام می‌شود		
خداوند بردبار و بزرگوار است		
خداوند همیشه زنده است		
خداوند پایدار است		
خداوند بخشنده گناهان است		
خداوند توبه پذیر است		
خداوند دارای بخشش بزرگ است		
لطف و احسان خداوند ازلی است		
درخواست پوشاندن زیبای الهی بر زشتی‌ها	أَيَّنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلُ؟ أَيَّنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ؟ أَيَّنَ فَرْجُكَ الْقَرِيبُ؟ أَيَّنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ؟ أَيَّنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ؟ أَيَّنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ؟ أَيَّنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ؟ أَيَّنَ صَنَائِعُكَ السَّيِّئَةُ؟ أَيَّنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ؟ أَيَّنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ؟ أَيَّنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ؟ أَيَّنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ؟ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي، وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي	۲۰
درخواست آمرزش گناهان با بخشش بزرگ الهی		
درخواست رفع مشکلات با گشایش نزدیک الهی		
درخواست امداد زود هنگام الهی		

درخواست رحمت گسترده الهی		
درخواست بخشش های برتر الهی		
درخواست هدایای گوارای الهی		
درخواست جوایز عالی الهی		
درخواست از فضل بزرگ خداوند		
درخواست از عطا و بخشش بزرگ خداوند		
درخواست لطف و کرم از خداوند کریم		
درخواست آزادی به واسطه کرم خداوند، حضرت محمد و اهل بیت ایشان		
درخواست خلاصی به واسطه رحمت خداوند		
خداوند بسیار نیکوکار است	يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، لَسْتُ أَتَكَلُّ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا	۲۱
کارهای الهی بسیار زیباست		
خداوند بسیار نعمت دهنده است.		
خداوند بسیار بخشنده		
عدم کفایت اعمال بندگان برای نجات از کیفر الهی		
لزوم تکیه بندگان به فضل الهی برای نجات از کیفر الهی		
تقوا و آمرزش الهی موجب اعتماد بندگان به فضل او می شود		
خداوند با نعمت خود نیکوکاری می کند		

خداوند با کرم خود گناه را می بخشد	
-----------------------------------	--

جدول (1): مضامین پایه

۲. تشریح مضامین سازمان‌دهنده

مضامین پایه استخراج‌شده از بخش آغازین نیایش ابوحمره ثمالی، بر پایه اشتراکات مفهومی، پیوندهای معنایی و هم‌جهتی محتوایی، بازبینی، مقایسه و ترکیب شدند. برآیند این فرایند، شکل‌گیری مجموعه‌ای از «مضامین سازمان‌دهنده» بود که هر یک نماینده بخشی از ساختار معنایی حاکم بر نیایش است. بررسی فراوانی این مضامین نشان می‌دهد که برخی مفاهیم در منظومه معرفتی نیایش برجستگی بیشتری دارند و نقش محوری‌تری در تبیین نسبت انسان و خداوند ایفا می‌کنند. در این میان، مضمون «فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند» با بیشترین میزان تکرار، کانون معنایی بخش آغازین نیایش را می‌سازد و بر وابستگی وجودی انسان به خداوند دلالت دارد. همچنین مضامینی چون «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی»، «سلوک معنوی و شناخت نفس» و «رفتار متقابل خدا و بندگان» از دیگر محورهای برجسته این بخش به‌شمار می‌آیند که در کنار یکدیگر، شبکه‌ای منسجم از مفاهیم توحیدی، تربیتی و عرفانی را سامان داده‌اند.

جدول زیر، مضامین سازمان‌دهنده استخراج‌شده از این بخش و میزان فراوانی هر یک را نشان می‌دهد.

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	فراوانی
۱	فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند	۳۱ بار
۲	اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی	۱۹ بار
۳	سلوک معنوی و شناخت نفس	۵ بار
۴	رفتار متقابل خدا و بندگان	۵ بار

۵	ستایش خداوند و افعال الهی	۴ بار
۶	راهنمایی و ربوبیت الهی	۴ بار
۷	امید و فزون‌بخشی الهی	۴ بار
۸	رحمت و بخشش الهی	۳ بار
۹	تواضع و اعتراف در نیایش	۳ بار
۱۰	خوف، رجاء و مقام رضا	۳ بار
۱۱	مناجات و ارتباط قلبی با خداوند	۲ بار
۱۲	راه باز برای بندگان	۲ بار
۱۳	هدایت، راهنمایی و شناخت خدا	۲ بار
۱۴	نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند	۲ بار
۱۵	توکل و توحید در نیایش	۲ بار
۱۶	شناخت، هدایت و سرپرستی الهی	۲ بار
۱۷	ترکیب خوف و رجاء در نیایش	۲ بار
۱۸	نیایش، توسل و رابطه بنده با خدا	۲ بار

جدول (۲): میزان فراوانی مضامین سازمان‌دهنده

۳. ترکیب و ادغام مضامین فراگیر

پس از استخراج و تحلیل مضامین سازمان‌دهنده، مرحله نهایی پژوهش به شناسایی «مضامین فراگیر» اختصاص یافت. در این مرحله، مضامین سازمان‌دهنده بر اساس هم‌پوشانی مفهومی، انسجام معنایی و ارتباط محتوایی ترکیب و بازسازمان‌دهی شدند تا ساختار کلان و شبکه معنایی حاکم بر بخش آغازین نیایش ابوحمزۀ ثمالی آشکار گردد. یافته‌ها نشان داد که مضامین سازمان‌دهنده، با وجود تنوع مفهومی، در سه حوزه بنیادین قابل صورت‌بندی‌اند که هر یک بخشی از نظام معرفتی و تربیتی نیایش را نمایندگی می‌کند:

الف) نظام عبودیت و سلوک بندگی: این مضمون فراگیر، مؤلفه‌هایی چون فقر و جودی انسان، تواضع، خوف و رجاء، توکل و سلوک معنوی را در بر می‌گیرد و بیانگر تلقی نیایش از حقیقت بندگی و وابستگی و جودی انسان به خداوند است.

ب) نظام ربوبیت و رحمت الهی: این مضمون فراگیر بر محور اسماء و صفات الهی، هدایت، ربوبیت، رحمت و فضل الهی شکل می‌گیرد و ابعاد خداشناختی متن نیایش را تبیین می‌کند.

ج) نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند: این مضمون فراگیر، مفاهیمی همچون نیایش، توسل، مناجات و ارتباط درونی بنده با خداوند را شامل می‌شود و ساحت تعاملی و معنوی رابطه انسان با خداوند را آشکار می‌سازد.

جدول زیر، مضامین فراگیر استخراج‌شده و مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با هر یک را نشان می‌دهد.

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده مرتبط
۱	نظام عبودیت و سلوک بندگی	فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند

سلوک معنوی و شناخت نفس		
تواضع و اعتراف در نیایش		
خوف، رجاء و مقام رضا		
ترکیب خوف و رجاء در نیایش		
توکل و توحید در نیایش		
اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی	نظام ربوبیت و رحمت الهی	۲
ستایش خداوند و افعال الهی		
راهنمایی و ربوبیت الهی		
شناخت، هدایت و سرپرستی الهی		
هدایت، راهنمایی و شناخت خدا		
رحمت و بخشش الهی		
امید و فزون‌بخشی الهی		
راه باز برای بندگان		
رفتار متقابل خدا و بندگان	نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند	۳

مناجات و ارتباط قلبی با خداوند		
نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند		
نیایش، توسل و رابطه بنده با خدا		

جدول 3: مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده مرتبط

۳/۱. تحلیل مضامین فراگیر

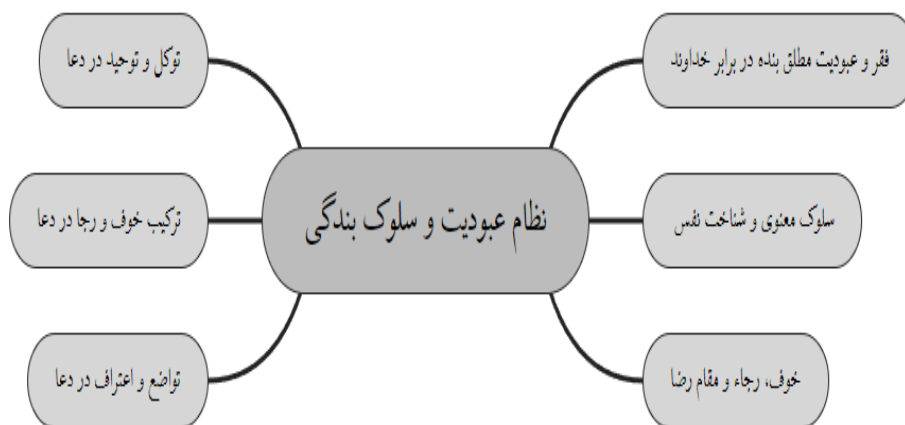
مضمون فراگیر نظام عبودیت و سلوک بندگی

مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی» یکی از محوری‌ترین شبکه‌های معنایی در بخش ابتدایی نیایش ابوحزمه شمالی است که بر تبیین حقیقت عبودیت، فقر وجودی انسان و چگونگی حرکت معنوی بنده در مسیر تقرب الهی تمرکز دارد. این مضمون فراگیر، انسان را موجودی وابسته و نیازمند به خداوند معرفی می‌کند که هویت معنوی او در سایه عبودیت، خودشناسی، توکل و تعادل میان خوف و رجاء شکل می‌گیرد. در این ساختار معنایی، نیایش بستری برای تربیت معنوی انسان و هدایت او به سوی کمال و قرب الهی به‌شمار می‌رود.

مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با این مضمون فراگیر عبارت‌اند از:

- فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند
- سلوک معنوی و شناخت نفس
- تواضع و اعتراف در نیایش
- خوف، رجاء و مقام رضا
- ترکیب خوف و رجاء در نیایش
- توکل و توحید در نیایش

دیاگرام (1): نظام عبودیت و سلوک بندگی



برخی از مضامین پایه استخراج شده ذیل این شبکه معنایی عبارت‌اند از:

- اعتراف به ضعف و ناتوانی انسان
- فقر ذاتی بنده در برابر خداوند
- نیاز همیشگی به رحمت الهی
- امید به بخشش و فضل خداوند
- خوف از کوتاهی و غفلت
- اعتماد و توکل بر خداوند
- طلب هدایت و قرب الهی
- شناخت کاستی‌های نفس
- تسلیم و رضایت در برابر اراده الهی

جمع‌بندی تحلیلی

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای، مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی» را می‌توان هسته محوری و بنیادین بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی دانست؛ زیرا بخش قابل‌توجهی از مضامین پایه و سازمان‌دهنده پیرامون تبیین حقیقت عبودیت، فقر وجودی انسان و چگونگی حرکت او در مسیر تعالی معنوی سامان یافته‌اند. فراوانی بالای مضامین مرتبط با «فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند» نشان می‌دهد که نیایش، انسان را موجودی مستقل و خودبنیاد معرفی نمی‌کند، بلکه او را حقیقتی وابسته، نیازمند و محتاج به رحمت و ربوبیت الهی می‌داند. از این منظر، عبودیت در نیایش صرفاً یک وظیفه شرعی یا کنش عبادی نیست، بلکه نوعی آگاهی وجودشناختی نسبت به حقیقت انسان و جایگاه او در نظام هستی به‌شمار می‌رود.

همچنین، ارتباط مفهومی میان مضامین «شناخت نفس»، «تواضع»، «اعتراف»، «خوف و رجاء» و «توکل» بیانگر آن است که نیایش ابوحمره ثمالی، الگویی تدریجی و تربیتی از سلوک معنوی ارائه می‌دهد. در این الگو، انسان ابتدا با شناخت ضعف‌ها و کاستی‌های خویش به مرحله خودآگاهی می‌رسد، سپس از رهگذر تواضع و اعتراف به فقر وجودی، زمینه تقرب الهی را فراهم می‌سازد. در ادامه، تعادل میان خوف از غفلت و امید به رحمت الهی، مانع سقوط انسان در ورطه یأس یا غرور می‌شود و در نهایت، توکل و رضا به‌عنوان عالی‌ترین مراتب سلوک بندگی، انسان را به آرامش و اطمینان معنوی رهنمون می‌سازد.

از سوی دیگر، شبکه معنایی این مضمون فراگیر نشان می‌دهد که نیایش در پی تربیت انسانی منفعل و منزوی نیست، بلکه انسانی آگاه، مسئول و در حال سیر به سوی کمال را ترسیم می‌کند؛ انسانی که با درک وابستگی مطلق خود به خداوند، مسیر اصلاح درونی و تعالی معنوی را طی می‌کند. به همین دلیل، عبودیت در این نیایش با مفاهیمی چون معرفت نفس، امید، حرکت معنوی و اعتماد به خداوند پیوند خورده و به یک نظام جامع تربیتی و عرفانی تبدیل شده است.

در مجموع، می‌توان گفت که مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی» نه تنها چارچوب معرفتی بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی را شکل می‌دهد، بلکه بنیان اصلی سایر مضامین نیایش نیز محسوب

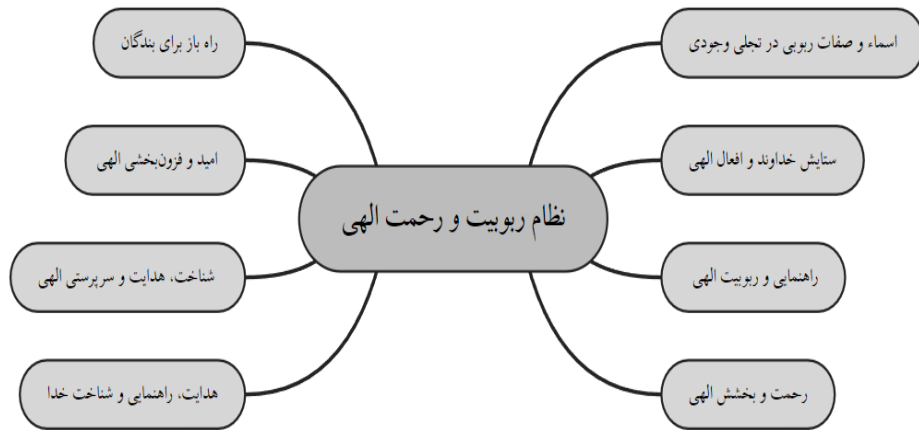
می‌شود؛ زیرا رابطه انسان با خداوند، فهم رحمت الهی و حتی مفهوم نیایش و مناجات، همگی بر پایه درک حقیقت عبودیت و وابستگی وجودی انسان به خداوند معنا می‌یابند. از این رو، این مضمون فراگیر را می‌توان کلید فهم ساختار تربیتی، عرفانی و انسان‌شناختی نیایش ابوحمره ثمالی دانست.

۲/۳. مضمون فراگیر نظام ربوبیت و رحمت الهی

مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» یکی از بنیادی‌ترین شبکه‌های معنایی در بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی است که بر تبیین جایگاه خداوند به‌عنوان رب، هدایتگر، سرپرست و منشأ رحمت و فضل الهی تمرکز دارد. این مضمون فراگیر، تصویری جامع از خداوند ارائه می‌دهد که در آن، ربوبیت الهی تنها به معنای خالقیت و تدبیر جهان نیست، بلکه شامل هدایت، تربیت، رحمت، بخشش و گشودن راه بازگشت برای بندگان نیز می‌شود. در این ساختار معنایی، نیایش بستری برای خداشناسی، ادراک صفات الهی و فهم رابطه رحمانی خداوند با انسان است.

مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با این مضمون فراگیر عبارت‌اند از:

- اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی
- ستایش خداوند و افعال الهی
- راهنمایی و ربوبیت الهی
- شناخت، هدایت و سرپرستی الهی
- هدایت، راهنمایی و شناخت خدا
- رحمت و بخشش الهی
- امید و فزون‌بخشی الهی
- راه باز برای بندگان



دیاگرام (2): نظام ربوبیت و رحمت الهی

برخی از مضامین پایه استخراج شده ذیل این شبکه معنایی عبارت‌اند از:

- گستردگی رحمت الهی
- امید به فضل و کرم خداوند
- هدایت انسان به سوی حق
- ربوبیت و سرپرستی الهی
- ستایش نعمت‌ها و افعال خداوند
- شناخت صفات جمال و جلال الهی
- گشودگی راه توبه و بازگشت
- بخشش و مغفرت الهی
- لطف و احسان خداوند به بندگان
- نیاز انسان به هدایت الهی

تحلیل ارتباطی و تفسیری

تحلیل ارتباط میان مضامین نشان می‌دهد که نیایش ابوحمره ثمالی، خداوند را صرفاً به‌عنوان موجودی متعال و دور از دسترس معرفی نمی‌کند، بلکه او را ربّی مهربان، هدایتگر و پیوسته حاضر در حیات انسان ترسیم می‌کند. در این شبکه معنایی، «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی» هسته اصلی خداشناسی نیایش را تشکیل می‌دهد و سایر مضامین، در امتداد تبیین همین حقیقت قرار می‌گیرند.

مضامین «راهنمایی و ربوبیت الهی»، «شناخت، هدایت و سرپرستی الهی» و «هدایت، راهنمایی و شناخت خدا» بیانگر آن‌اند که ربوبیت الهی در نیایش، ماهیتی تربیتی و هدایتی دارد. خداوند در این متن، تنها آفریننده جهان نیست، بلکه هدایت‌کننده و پرورش‌دهنده انسان نیز هست و مسیر بازگشت و کمال را برای او فراهم می‌سازد. از این رو، مفهوم هدایت در نیایش با شناخت خداوند و ادراک صفات الهی پیوندی عمیق دارد.

همچنین، مضامین «رحمت و بخشش الهی»، «امید و فزون‌بخشی الهی» و «راه باز برای بندگان» نشان می‌دهد که رابطه خداوند با انسان، بر محور رحمت، فضل و گشودگی استوار است. حتی در شرایط گناه و غفلت، نیایش همواره بر باز بودن مسیر توبه و بازگشت تأکید می‌کند و انسان را به امیدواری نسبت به فضل الهی فرا می‌خواند. در این میان، «ستایش خداوند و افعال الهی» نیز بیانگر آن است که شناخت افعال و نعمت‌های الهی، مقدمه‌ای برای تعمیق معرفت توحیدی و تقویت پیوند معنوی انسان با خداوند به‌شمار می‌رود.

جمع‌بندی تحلیلی

یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» یکی از بنیادی‌ترین و اثرگذارترین لایه‌های معنایی در بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی را تشکیل می‌دهد و نقش محوری در سازمان‌دهی جهان‌بینی توحیدی نیایش ایفا می‌کند. فراوانی قابل‌توجه مضامین سازمان‌دهنده‌ای همچون «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی»، «راهنمایی و ربوبیت الهی» و «رحمت و بخشش الهی» بیانگر آن است که متن نیایش، بیش از هر چیز، درصدد تبیین نوع رابطه خداوند

با انسان و کیفیت حضور ربوبیت الهی در حیات معنوی بشر است. در این ساختار معنایی، خداوند صرفاً به‌عنوان خالق و حاکم مطلق هستی معرفی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه ربّی رحمان، هدایتگر، تربیت‌کننده و پناهگاه دائمی بندگان شناسانده می‌شود.

تحلیل ارتباط مفهومی میان مضامین نشان می‌دهد که ربوبیت الهی در نیایش ابوحمزه ثمالی، ماهیتی صرفاً تکوینی یا اقتدارمحور ندارد، بلکه دارای ابعادی عمیقاً تربیتی، هدایتی و رحمانی است. خداوند در این نیایش، هم منشأ آفرینش و تدبیر هستی است و هم هدایت‌گر مسیر کمال انسانی؛ ازاین‌رو، هدایت الهی نه امری مقطعی، بلکه فرایندی مستمر در حیات انسان تلقی می‌شود که با لطف، رحمت و سرپرستی الهی پیوند خورده است. همین مسئله سبب می‌شود که مضامین مرتبط با «هدایت»، «شناخت خدا» و «سرپرستی الهی» در کنار مضامین رحمت و بخشش قرار گیرند و شبکه‌ای منسجم از خداشناسی تربیتی را شکل دهند.

از سوی دیگر، تأکید مکرر نیایش بر رحمت، فضل، مغفرت و باز بودن راه بازگشت برای بندگان، نشان‌دهنده غلبه رویکرد رحمانی در ساختار معنایی نیایش است. در این منظومه معرفتی، رابطه خداوند با انسان بر پایه طرد و محروم‌سازی بنا نشده، بلکه بر محور کرامت، فرصت بازگشت و امید به رحمت الهی استوار است. حتی در شرایطی که انسان به گناه، ضعف و غفلت خویش اعتراف می‌کند، متن نیایش همچنان بر گستردگی رحمت الهی و امکان بازگشت تأکید دارد. این امر بیانگر آن است که نیایش ابوحمزه ثمالی، در کنار تبیین حقیقت عبودیت، نوعی الهیات امید را نیز بازنمایی می‌کند؛ الهیاتی که در آن، انسان هیچ‌گاه از دایره لطف و رحمت الهی بیرون دانسته نمی‌شود.

همچنین، پیوند میان مضامین «ستایش خداوند و افعال الهی» با «اسماء و صفات ربوبی» نشان می‌دهد که نیایش، شناخت خداوند را صرفاً در سطح مفاهیم ذهنی و انتزاعی محدود نمی‌کند، بلکه آن را در بستر تجربه وجودی و ادراک افعال و نعمت‌های الهی تفسیر می‌کند. به بیان دیگر، خداشناسی در این نیایش، ماهیتی حضوری و تربیتی دارد و انسان از رهگذر مشاهده آثار ربوبیت و رحمت الهی، به معرفتی

عمیق‌تر نسبت به خداوند دست می‌یابد. این نوع خداشناسی، زمینه‌ساز تحول درونی، تقویت امید و تعمیق پیوند معنوی انسان با خداوند می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت که مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» چارچوب اصلی خداشناختی نیایش ابوحمره ثمالی را شکل می‌دهد و تصویری جامع از رابطه خداوند با انسان ارائه می‌کند؛ رابطه‌ای که در آن، ربوبیت الهی با هدایت، رحمت، تربیت و گشودگی مسیر بازگشت پیوند خورده است. از این رو، این مضمون فراگیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین ارکان معرفتی و تربیتی نیایش دانست که بستر معنایی لازم را برای شکل‌گیری عبودیت، امید، سلوک معنوی و ارتباط قلبی انسان با خداوند فراهم می‌سازد.

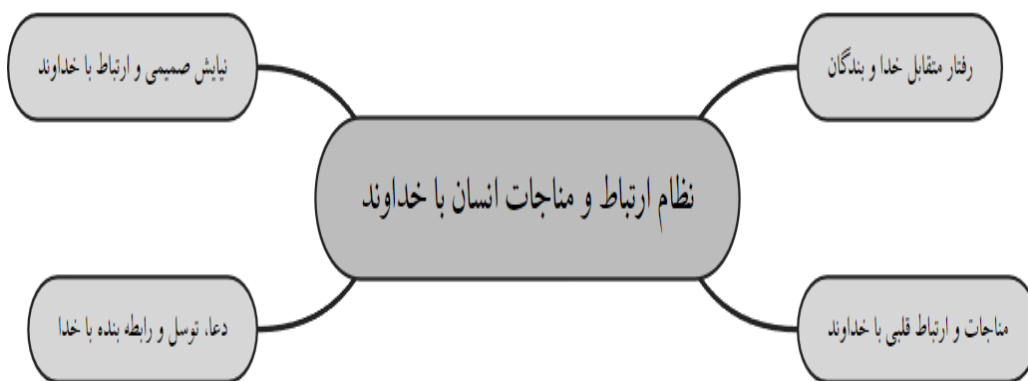
۳/۳. مضمون فراگیر نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند

مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» یکی از مهم‌ترین شبکه‌های معنایی در بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی است که بر تبیین ابعاد عاطفی، معنوی و تعاملی رابطه انسان با خداوند تمرکز دارد. این مضمون فراگیر، نیایش را صرفاً مجموعه‌ای از الفاظ و درخواست‌های عبادی تلقی نمی‌کند، بلکه آن را عرصه‌ای برای برقراری ارتباطی قلبی، آگاهانه و مستمر میان بنده و خداوند می‌داند. در این ساختار معنایی، انسان در مقام بنده، از طریق نیایش، مناجات و توسل، نیازها، ضعف‌ها، امیدها و اشتیاق معنوی خویش را با خداوند در میان می‌گذارد و از این رهگذر، به نوعی قرب، آرامش و پیوند درونی با پروردگار دست می‌یابد.

مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با این مضمون فراگیر عبارت‌اند از:

- مناجات و ارتباط قلبی با خداوند
- نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند
- نیایش، توسل و رابطه بنده با خدا
- رفتار متقابل خدا و بندگان

دیاگرام (3): نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند



برخی از مضامین پایه استخراج‌شده ذیل این شبکه معنایی عبارت‌اند از:

- اظهار نیاز و فقر در برابر خداوند
- گفت‌وگوی صمیمانه با پروردگار
- امید به اجابت نیایش
- احساس قرب و حضور الهی
- توسل و پناه بردن به خداوند
- درخواست رحمت و مغفرت
- اعتماد به پذیرش الهی
- انس قلبی با خداوند
- پاسخ‌گویی خداوند به بندگان
- پیوند عاطفی میان بنده و خدا

تحلیل ارتباطی و تفسیری

تحلیل ارتباط میان مضامین نشان می‌دهد که نیایش ابوحمره ثمالی، نیایش و مناجات را نه صرفاً یک عمل عبادی آیینی، بلکه نوعی رابطه وجودی و تعاملی میان انسان و خداوند معرفی می‌کند. در این ساختار معنایی، «مناجات و ارتباط قلبی با خداوند» هسته اصلی شبکه را تشکیل می‌دهد و سایر مضامین در امتداد تعمیق این ارتباط معنوی قرار می‌گیرند.

مضمون «نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند» بیانگر آن است که نیایش در این متن، ماهیتی عاطفی و درونی دارد و انسان در فضای نیایش، احساس نزدیکی، امنیت و آرامش را تجربه می‌کند. همچنین، مضمون «نیایش، توسل و رابطه بنده با خدا» نشان می‌دهد که توسل و درخواست از خداوند، صرفاً جنبه درخواست‌محور ندارد، بلکه خود نیایش نوعی پیوند معنوی و نشانه حضور قلبی انسان در محضر الهی است.

از سوی دیگر، مضمون «رفتار متقابل خدا و بندگان» نشان می‌دهد که رابطه میان انسان و خداوند در نیایش، رابطه‌ای یک‌سویه و منفعل نیست؛ بلکه نوعی تعامل پویا و دوطرفه میان بنده و پروردگار برقرار است. انسان با نیایش و مناجات به سوی خداوند روی می‌آورد و خداوند نیز با رحمت، اجابت و لطف خویش به بندگان پاسخ می‌دهد. این مسئله بیانگر آن است که نیایش در منطق نیایش ابوحمره ثمالی، بستری برای شکل‌گیری رابطه‌ای زنده، پویا و مستمر میان انسان و خداوند است.

جمع‌بندی تحلیلی

یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» یکی از اساسی‌ترین ابعاد معرفتی، عرفانی و تربیتی در بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در تبیین کیفیت رابطه انسان با خداوند ایفا می‌کند. شبکه معنایی شکل‌گرفته پیرامون مضامینی همچون «مناجات و ارتباط قلبی با خداوند»، «نیایش صمیمی»، «نیایش و توسل» و «رفتار متقابل خدا و بندگان» بیانگر آن است که نیایش در این متن، صرفاً یک کنش عبادی یا مجموعه‌ای از الفاظ آیینی نیست، بلکه نوعی تجربه وجودی و ارتباطی عمیق میان انسان و خداوند به‌شمار

می‌رود. در این ساختار معنایی، نیایش به بستری برای شکل‌گیری رابطه‌ای آگاهانه، پویا و مستمر میان بنده و پروردگار تبدیل می‌شود؛ رابطه‌ای که بر پایه حضور قلب، احساس نیاز، امید به رحمت و اعتماد به لطف الهی استوار است.

تحلیل پیوندهای مفهومی میان مضامین سازمان‌دهنده نشان می‌دهد که نیایش ابوحمره ثمالی، رابطه انسان با خداوند را در چارچوب نوعی «الهیات ارتباطی» تفسیر می‌کند؛ به این معنا که خداوند در متن نیایش، موجودی دور از دسترس و منفصل از حیات انسان نیست، بلکه حضوری فعال، پاسخ‌گو و اثرگذار در زندگی معنوی بنده دارد. از این رو، نیایش و مناجات در این متن، صرفاً ابزاری برای بیان درخواست‌ها و نیازها نیست، بلکه شیوه‌ای برای تجربه حضور الهی، تقویت انس معنوی و ایجاد نوعی هم‌سخنی درونی با خداوند محسوب می‌شود. این مسئله سبب می‌شود که نیایش در ساختار معنایی نیایش ابوحمره ثمالی، ماهیتی فراتر از کارکرد مناسکی پیدا کرده و به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیت معنوی و خودسازی انسان تبدیل شود.

همچنین، تأکید بر مضمون «رفتار متقابل خدا و بندگان» نشان‌دهنده آن است که رابطه میان انسان و خداوند در این نیایش، رابطه‌ای یک‌سویه و صرفاً مبتنی بر تکلیف نیست، بلکه نوعی تعامل دوسویه و مبتنی بر محبت، رحمت و پاسخ‌گویی الهی است. انسان با نیایش، توسل و بازگشت به سوی خداوند حرکت می‌کند و خداوند نیز با رحمت، مغفرت، اجابت و لطف خویش به این حرکت پاسخ می‌دهد. این ساختار تعاملی، نشان‌دهنده آن است که نیایش در منطق این متن، بستر شکل‌گیری رابطه‌ای زنده و پویا میان بنده و خداوند است؛ رابطه‌ای که در آن، انسان همواره امکان بازگشت، گفت‌وگو و تقرب به خداوند را در اختیار دارد.

از منظر تربیتی و روان‌شناختی نیز، شبکه معنایی این مضمون فراگیر حاکی از آن است که نیایش و مناجات در نیایش ابوحمره ثمالی، کارکردی آرامش‌بخش، امیدآفرین و هویت‌ساز دارند. انسان در فرایند مناجات، احساس تنهایی و بی‌پناهی را پشت سر گذاشته و خود را در پناه ارتباطی عمیق با خداوند تجربه می‌کند. همین امر، زمینه شکل‌گیری آرامش درونی، تقویت امید، کاهش اضطراب‌های وجودی و تعمیق

معنویت را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، نیایش در این متن، علاوه بر کارکرد عبادی، به مثابه ابزاری برای بازسازی روانی و معنوی انسان نیز عمل می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت که مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» یکی از ارکان اصلی جهان‌بینی نیایش ابوحمره ثمالی را تشکیل می‌دهد و در کنار مضامین عبودیت و ربوبیت، ساختار معنایی نیایش را تکمیل می‌کند. این مضمون فراگیر، الگویی جامع از رابطه معنوی انسان با خداوند ارائه می‌دهد که در آن، نیایش و مناجات به عنوان مسیر تحقق قرب الهی، خودآگاهی معنوی و تعالی روحی انسان معرفی می‌شوند. از این رو، نیایش ابوحمره ثمالی را می‌توان متنی دانست که از رهگذر مناجات و گفت‌وگوی معنوی، نوعی نظام تربیتی و عرفانی مبتنی بر محبت، حضور و ارتباط مستمر با خداوند را بنیان می‌نهد.

ب. تحلیل روابط میان مضامین فراگیر نیایش ابوحمره ثمالی

تحلیل شبکه‌ای مضامین استخراج‌شده از بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی نشان می‌دهد که سه مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی»، «نظام ربوبیت و رحمت الهی» و «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» در عین تمایز مفهومی، دارای پیوندی عمیق، پویا و درهم‌تنیده‌اند و در مجموع، یک منظومه معرفتی و تربیتی منسجم را شکل می‌دهند. این مضامین نه به صورت مستقل و منفک، بلکه در قالب یک ساختار شبکه‌ای چندلایه عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که هر مضمون فراگیر، هم متأثر از مضامین دیگر است و هم در تکمیل و تبیین آن‌ها نقش ایفا می‌کند. از این رو، فهم دقیق ساختار معنایی نیایش، تنها در پرتو تحلیل ارتباطات متقابل میان این سه شبکه کلان معنایی امکان‌پذیر خواهد بود.

در این منظومه معنایی، «نظام عبودیت و سلوک بندگی» نقطه آغاز حرکت معنوی انسان را تشکیل می‌دهد. مضامینی همچون «فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند»، «تواضع و اعتراف در نیایش»، «خوف و رجاء»، «توکل و توحید در نیایش» و «سلوک معنوی و شناخت نفس» نشان می‌دهد که نیایش ابوحمره ثمالی، نخست بر خودآگاهی وجودی انسان و ادراک وابستگی مطلق او به خداوند تأکید می‌کند.

انسان در این مرحله، با شناخت ضعف، نیاز و محدودیت‌های وجودی خویش، آمادگی ورود به ساحت ارتباط معنوی با خداوند را پیدا می‌کند. بنابراین، عبودیت در این نیایش صرفاً یک مفهوم عبادی نیست، بلکه بنیان انسان‌شناختی و معرفتی کل ساختار نیایش محسوب می‌شود.

این نظام عبودیت، به‌صورت مستقیم با مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» پیوند می‌یابد؛ زیرا ادراک فقر وجودی انسان، بدون شناخت ربوبیت، رحمت و هدایت الهی معنا و کارکرد کامل خود را پیدا نمی‌کند. در حقیقت، هرچه انسان به ضعف و نیازمندی خویش آگاه‌تر می‌شود، بیشتر به ربوبیت، هدایت و رحمت الهی روی می‌آورد. از این رو، مضامینی نظیر «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی»، «راهنمایی و ربوبیت الهی»، «رحمت و بخشش الهی»، «امید و فزون‌بخشی الهی» و «راه باز برای بندگان» در ادامه طبیعی شبکه عبودیت قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، نیایش ابوحمره ثمالی، رابطه انسان و خداوند را در قالب یک معادله دوسویه تبیین می‌کند: فقر و نیاز انسان در برابر رحمت، هدایت و ربوبیت خداوند معنا می‌یابد و ربوبیت الهی نیز در پاسخ به نیاز، ضعف و طلب انسان تجلی پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، این دو شبکه معنایی در نهایت به مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» منتهی می‌شوند. هنگامی که انسان حقیقت عبودیت خویش را درک کرده و ربوبیت و رحمت الهی را می‌شناسد، زمینه شکل‌گیری رابطه‌ای قلبی، آگاهانه و عاشقانه با خداوند فراهم می‌شود. در این مرحله، مضامینی همچون «مناجات و ارتباط قلبی با خداوند»، «نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند»، «نیایش، توسل و رابطه بنده با خدا» و «رفتار متقابل خدا و بندگان» ظهور می‌یابند و ساختار ارتباطی نیایش را شکل می‌دهند.

تحلیل ارتباط میان این مضامین نشان می‌دهد که نیایش در منطق نیایش ابوحمره ثمالی، صرفاً واکنشی به نیازهای انسان نیست، بلکه محصول نوعی معرفت توحیدی و تجربه وجودی است. انسان ابتدا در پرتو عبودیت، حقیقت خویش را می‌شناسد؛ سپس در سایه شناخت ربوبیت و رحمت الهی، امید و اعتماد پیدا می‌کند؛ و در نهایت، این شناخت و اعتماد، در قالب نیایش، مناجات و ارتباط قلبی با خداوند متجلی می‌شود. بنابراین، «مناجات» در این نیایش نتیجه طبیعی «عبودیت» و «خداشناسی» است و نه صرفاً یک

عمل عبادی مستقل. همچنین، ساختار شبکه‌ای مضامین نشان می‌دهد که رابطه میان این سه مضمون فراگیر، رابطه‌ای خطی و یک‌طرفه نیست، بلکه نوعی تعامل دائمی و بازگشتی میان آن‌ها برقرار است. به این معنا که ارتباط و مناجات با خداوند، خود موجب تعمیق عبودیت و تقویت معرفت نسبت به ربوبیت الهی می‌شود و این معرفت نیز به نوبه خود، کیفیت نیایش و سلوک معنوی انسان را ارتقا می‌دهد. از این رو، سه مضمون فراگیر یادشده را می‌توان اضلاع یک نظام معنایی واحد دانست که در آن، عبودیت انسان، ربوبیت الهی و ارتباط معنوی میان بنده و خداوند، به صورت هم‌افزا و درهم‌تنیده عمل می‌کنند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نیایش ابوحمره ثمالی، صرفاً متنی عبادی یا اخلاقی نیست، بلکه دارای ساختاری معرفتی و تربیتی است که بر پایه پیوند میان انسان‌شناسی توحیدی، خداشناسی رحمانی و ارتباط معنوی انسان با خداوند بنا شده است. این ساختار، الگویی جامع از سلوک معنوی انسان در اندیشه اسلامی ارائه می‌دهد؛ الگویی که در آن، انسان از رهگذر شناخت فقر وجودی خویش، ادراک رحمت و ربوبیت الهی و برقراری رابطه‌ای قلبی و مستمر با خداوند، مسیر تعالی معنوی و قرب الهی را طی می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بخش ابتدایی نیایش ابوحمره ثمالی دارای ساختاری معنایی، منسجم و نظام‌مند است که در قالب سه مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی»، «نظام ربوبیت و رحمت الهی» و «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» سازمان‌یافته است. این سه مضمون فراگیر، سه لایه مستقل نبوده، بلکه در قالب یک نظام معرفتی و تربیتی واحد عمل می‌کنند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مهم‌ترین محور معنایی نیایش، تبیین حقیقت عبودیت و وابستگی وجودی انسان به خداوند است. فراوانی بالای مضامینی چون فقر وجودی، تواضع، خوف و رجاء، توکل، اعتراف و شناخت نفس بیانگر آن است که این نیایش، عبودیت را حقیقتی وجودشناختی و مبنای سلوک

معنوی می‌داند که انسان از رهگذر شناخت نیاز ذاتی خویش، امکان حرکت به سوی قرب الهی را پیدا می‌کند.

همچنین مشخص شد که نظام عبودیت در این نیایش، مستقیماً با نظام ربوبیت و رحمت الهی پیوند دارد. مضامین مرتبط با اسماء و صفات ربوبی، هدایت، سرپرستی، رحمت، فضل و مغفرت نشان داد که خداوند در این نیایش، ربی رحمان، تربیت‌کننده و هدایتگر معرفی می‌شود و رابطه او با انسان، رابطه‌ای تربیتی و رحمانی است.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که نیایش در منطق ابوحمره ثمالی صرفاً ابزار بیان حاجت نیست، بلکه رابطه‌ای وجودی و تعاملی میان انسان و خداوند است. مضامینی همچون مناجات، نیایش صمیمی، توسل و رفتار متقابل خدا و بندگان بیانگر آن است که نیایش در این متن، بستری برای تجربه حضور الهی، آرامش معنوی و پیوند قلبی فراهم می‌سازد و افزون بر کارکرد عبادی، دارای کارکردهای تربیتی، عرفانی و روان‌شناختی است.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، کشف پیوند ساختاری میان سه مضمون فراگیر است. تحلیل روابط نشان داد که عبودیت انسان، ربوبیت الهی و مناجات با خداوند در چرخه‌ای به هم پیوسته قرار دارند؛ شناخت فقر وجودی انسان، او را به شناخت رحمت الهی سوق می‌دهد و این شناخت، در قالب نیایش متجلی می‌شود. در مقابل، تجربه نیایش نیز موجب تعمیق عبودیت و ارتقای سلوک معنوی می‌گردد. برآیند کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که نیایش ابوحمره ثمالی متنی جامع در حوزه انسان‌شناسی توحیدی، الهیات نیایش و عرفان اسلامی است که نظامی معرفتی و تربیتی را برای هدایت انسان در مسیر تعالی بازنمایی می‌کند. افزون بر این، پژوهش حاضر نشان داد که روش تحلیل مضمون شبکه‌ای، ظرفیت بالایی در کشف ساختارهای مفهومی متون دینی دارد و می‌تواند به عنوان روشی کارآمد در تحلیل ادعیه، متون روایی و آثار عرفانی مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی، خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید، تهران: نگاه دانش، ۱۴۰۱ش.
۲. الإقبال بالأعمال الحسنة، ابن طاووس، علی بن موسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۳. البلد الأمين و الدرع الحصین، کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۴. الذریعه إلى تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، محسن، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۵. زاد المعاد - مفتاح الجنان، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۶. شرح نیایش سحر، سرابی تبریزی، محمدحسین، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۲۴۳۴، ۱۳۲۴ش.
۷. مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، طوسی، محمدبن الحسن، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
8. Thematic Analysis of Qualitative Data: AMEE Guide No. 131. Kiger, Michelle E. & Varpio, Lara, Medical Teacher 42, (8): 846-854, 2020.
9. Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, Attride-Stirling, Jennifer. Qualitative Research 1, (3): 385-405, 2021.
10. Using Thematic Analysis in Psychology. Braun, V. & Clarke, V Qualitative Research in Psychology 3, (2): 77-101, 2006.

